



### بیضایی روی صحنه می‌رود

بهرام بیضایی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان شناخته‌شده که از شهریورماه سال ۱۳۸۹ به دعوت مرکز پژوهش‌های ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد آمریکا، ایران را همراه خانواده‌اش ترک کرد، به زودی نمایش «دانش اکل به گفته‌ی مرجان (قسمت اول)» را روی صحنه می‌برد. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی بیضایی در روزهای ۲۱، ۲۲، ۲۸ و ۲۹ سپتامبر برابر با ۳۱ شهریورماه، اول، هفتم و هشتم مهرماه در شهر برکلی کالیفرنیا در فستیوال هنرهای ایرانی دانشگاه استنفورد روی صحنه خواهد رفت. بیضایی از زمان ترک ایران تاکنون در کنار پژوهش و تدریس در دانشگاه استنفورد، چندین نمایش را روی صحنه برده است. بهرام بیضایی وقتی ایران را ترک کرد، از آخرین نمایشی که روی صحنه برده بود «افرا، یا روز می‌گذرد» (زمستان ۱۳۸۶ در تالار وحدت)، سه‌سال می‌گذشت. در همه ۱۴ سال بیضایی در ایران نبوده است، افسوس برای محرومیت مخاطبانش از رویه‌روی مستقیم با آثار او بارها و بارها در صحبت‌های دوستداران و همکارانش مطرح شده است.



### رفیعی کارگاه برگزار می‌کند

علی رفیعی، کارگردان پیشکسوت تئاتر، قرار است پس از سال‌ها در سراسر ایران کارگاه آموزشی برگزار کند و شهر کاشان را به‌عنوان اولین مقصد خود انتخاب کرده است. او از ۲۰ شهریورماه به مدت ۱۰ روز در این شهر به آموزش عملی هنر جوان خواهد پرداخت. نگاه «مانا»، این کارگاه‌ها را به‌صورت رایگان به میزبانی موسسه باران و گذر شهر کاشان برگزار می‌کند. «کارگاه نمایش با علی رفیعی» در شهرهای مختلف ایران برگزار خواهد شد و هنر جوان مستعد هر شهر پس از برگزاری دوره در شهر خود، برای کارگاه آموزشی تهران انتخاب می‌شوند. در خبر منتشرشده در مورد برگزاری کارگاه نمایش توسط علی رفیعی، یادآوری شده است در صورت فراهم‌بودن شرایط، خروجی این کارگاه‌ها (استان‌ها و تهران) منجر به اجرای یک نمایش خواهد شد. علاقه‌مندان جهت دریافت فرم ثبت‌نام می‌توانند با شماره ۰۹۱۳۳۶۳۰۲۶۰ تا ساعت ۹ تا ۱۳ و ۱۷ تا ۲۰ تماس بگیرند. همچنین لازم به ذکر است، زمان و مکان کارگاه‌های شهرهای بعدی متعاقباً اعلام خواهد شد.



### اعتراض فو فایترز به ترامپ

فو فایترز (Foo Fighters) از گروه‌های آمریکایی موفق سبک راک که تاکنون موفق به اخذ ۱۱ جایزه گرمی شده است، به‌خاطر استفاده بدون اجازه دونالد ترامپ از آهنگ قهرمان من (My Hero) در کمپین انتخاباتی‌اش در آریزونا اعتراض کرد. این آهنگ زمانی پخش شد که رابرت اف کندی جونیور، سیاستمداری که پیش از این گفته بود کارزارش را به‌عنوان نامزد مستقل انتخابات آمریکا متوقف می‌کند و از دونالد ترامپ حمایت خواهد کرد، برای سخنرانی روی صحنه رفت. در همین رابطه در توئیتر گروه فو فایترز، توئیتی با کپشن «Let us be clear» منتشر شد که در آن به این سوال که آیا به دونالد ترامپ برای پخش آهنگ «قهرمان من» پیش از سخنرانی رابرت اف کندی جونیور اجازه داده شده بود یا خیر؟ پاسخ منفی داده شده است. پیش از این نیز سلین دیون به استفاده از ترانه مشهور خود برای فیلم «تایتانیک» به‌نام «قلبم ادامه خواهد داد» (My Heart Will Go On) در کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ، اعتراض کرده بود.

# جهان ارثیه بابامه

## نگاهی به کارنامه حسین پناهی به مثابه یک پدیده هنری



رضا صائمی  
خبرنگار گروه فرهنگ

زادروز «حسین پناهی» بهانه خوبی بود تا به خوانش یکی از خاص‌ترین بازیگران و درواقع هنرمندان ایرانی بپردازیم. تاکید بر هنرمند بودن به‌جای بازیگر را، همه آنهایی که شناختی نسبی از او داشته باشند، درک می‌کنند که او نه‌فقط یک بازیگر که شاعر بود و حرف‌هایش به حکمت و فلسفه هم پهلو می‌زد. چنانکه کتابی درباره او منتشر شده به‌نام «فیلسوف دیوانه». حسین پناهی در سال ۱۳۲۵ در روستای «دژکوه» در استان کهگیلویه و بویراحمد چشم به جهان گشود. شاعری متولد شد که همه او را عجیب و بر خری دیوانه پنداشتند، اما به‌تعبیر خودش یک روستازاده حیران بود که الاکلنگ وجودش در گذر اوضاع‌های ناگزیر و ناخواسته، دچار فرازوفرودها شد. آنای پناهی، دخترش درباره پدرش گفته: «او آدم پیچیده‌ای نبود و اینقدر ساده حرف می‌زد، زندگی می‌کرد و شعر می‌گفت که شاید ما با تلاش و مهارت نتوانیم به آن آسانی حرف بزنینم یا زندگی کنیم.»

### از طلبگی تا بازیگری

شاید یکی از مصادیق خاص بودن حسین پناهی، مسیری است که در زندگی تجربه کرده و از حوزه علمیه به حوزه هنر پا گذاشته است. چنان آموزش دیده بود که درنهایت به یک روحانی و آخوند تبدیل شود. به حوزه علمیه رفت و طلبه شد اما برخلاف نظر خانواده و بر اثر اتفاقی، مسیر زندگی‌اش را تغییر

داد، ناگهان همه‌چیز را رها کرد و به تهران آمد و چون علاقه خاصی به هنر و بازیگری داشت در مدرسه آناهیتا نام‌نویسی کرد و چهار سال در آنجا مشغول فراگیری اصول بازیگری و نمایشنامه‌نویسی شد. مسعود جعفری جوزانی، کارگردان درباره این بخش زندگی او گفته است: حسین، کودکی با چته کوچک و سر بزرگ در دژکوه، پشت سنگ در طبیعت تنگ‌دست به دنیا آمد و همه اسباب‌بازی‌هایش سنگ‌های بیابان بود. نان که در شعرهای او دیده می‌شود، مفهوم عظیمی از برکت بود و طبیعت تنگ‌دست و دوست‌داشتنی، دلی صاف، آسمانی و بزرگ به او داده بود. با سوالات زیاد به قم برای طلبگی رفت، چند سال درس خواند و با لباس روحانیت به روستا بازگشت اما حسین که روحی بلندپرواز داشت برایش سخت بود که درس اخلاق به مردم روستا یاد بدهد، بنابراین پیش ما آمد که حرف بزند و شعر بگوید، اما هر قدمی که گذاشت بیشتر سوال برایش پیش آمد. «نصرت‌الله حکمت، استاد فلسفه، حسین پناهی را یک هنرمند و فیلسوف بزرگ با اندیشه‌های فلسفی خوانده و گفته است: «حسین پناهی، یک فیلسوف بزرگ و دیوانه‌ای بود که با تفکر و اندیشیدن و با نگاه فلسفی‌اش به چنین جایگاهی رسید. حسین پناهی، انسانی به تمام معنا «کلمه» بود که این ویژگی در تمام آثار این هنرمند بزرگ مشهود است.»

بعد از اتمام دوره بازیگری، حسین پناهی موفق شد اولین بازی خود مقابل دوربین را با بازی در فیلم «گذرگاه» تجربه

**حسین پناهی درباره بازیگری‌اش گفته بود: «من نه نان، نه غم و حتی سینما را هیچ وقت جدی نگرفته‌ام؛ من برای اتمام وقت بازی می‌کنم، برای فرار از درک حقایق هولناکی که نمی‌دانم چیست، گو اینکه همین نان و نام، جدی‌ترین ضرورت از این سال به آن سال رفتن‌هایم شده است.»**

کند. دومین فیلم موفق حسین پناهی که بسیار دیده شد، فیلم «نار و نی» بود. داستان فیلم درباره عکاس جوانی است که در جست‌وجوی یافتن عکس‌های مناسبی برای نمایش در دست‌ترن «قضیه اوپنهایم» است که به‌طور اتفاقی با پیرمرد ناشناسی که دچار عارضه قلبی شده است، مواجه می‌شود. عکاس جوانی شب‌هنگام او را به بیمارستان می‌رساند و بر نیمکت انتظار بیمارستان با مرور دفترچه خاطرات این پیرمرد، در فراگردی متافیزیکی، در پی روح او می‌افتد، خود را در قالب او می‌بیند و زندگی پیرمرد را از کودکی در کاشان تا لحظه مرگ، مرور می‌کند و در پایان این مسیر به معرفی دست‌پیدا می‌کند که حاکی از اعتلای وجود انسانی و منش اخلاقی اوست. حسین پناهی اولین موفقیت سینمایی خود را در فیلم «در مسیر تندباد» به دست آورد؛ جایی که او نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد. حسین پناهی با بازی در سریال «روزگار قریب» نیز به موفقیت بسیاری دست یافت. گرچه بازی‌اش بیش از همه در سریال «آژانس دوستی» به چشم آمد و بر محبوبیتش افزود. سادگی و لحن صمیمی و دیالوگ‌هایش، جذابیت خاصی به این نقش در آن مجموعه داده بود. پناهی در این سریال نقش راننده‌ای ساده، تنها و شوریده‌حال را بازی می‌کرد که گوینا روایت زندگی خود او بود؛ چون براساس نظر بسیاری از افرادی که پناهی را می‌شناختند، او در زندگی واقعی‌اش هم همین‌گونه ساده بود. آخرین فیلم حسین پناهی «بابا عزیز» بود به کارگردانی ناصر خمیر که با گلشیفته فراهانی همبازی شده بود. یکی از ماندگارترین بازی‌هایش نیز در فیلم «روز واقعه» است، در نقش یک نگهبان بتکده و دیالوگی دارد که یکی از بهترین دیالوگ‌های این فیلم است. او از قول امام حسین(ع) می‌گوید: «از حسین خواستم سنگی بر بتان بیفکنند، او به تلخی لبخند زد و گفت، چگونه بر بتان مرده سنگ زنم، حال آنکه بتان زنده روی زمینند!»

### شاعری شوریده

شاعری تنها هنر حسین پناهی نبود، بلکه خصلت و هویت او بود. اساساً او جانی شاعرانه در کالبدش داشت، جهان را شاعرانه می‌دید و زندگی را شاعرانه می‌زیست. شاعری، شغلی بود که بیشتر از هر حرفه دیگری به پناهی می‌آمد. او شعر خود را به شیوه سپید و موج‌نوس سروده است و حیرت، مرگ اندیشی، آرزوی بازگشت به روستا و کودکی، مضامین شعر اوست. پناهی، شاعری بود که سعی داشت بیشتر به درونمایه شعر توجه داشته باشد تا اینکه خود را درگیر ظواهر شعر کند. با همه این‌ها «تکرار» و «تشبیه»، بیش از سایر آرایه‌های ادبی در اشعارش یافت می‌شود. اشعار او بیشتر به شیوه «سپید» و «موج‌نو» سروده شده است. گفته شده که اشعار پناهی،

